



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

سال سوم، شماره ۳، پیاپی ۸، پاییز ۱۳۹۹

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2645-6478

بررسی مضامین مقاومت و استعمار ستیزی در اشعار فرخی یزدی و پابلونرودا

دکتر مریم کیانی فرا^۱، دکتر سعید روزبهانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۱/۱۸

(ازص ۱۰۶ تاص ۱۱۷)

نوع مقاله: پژوهشی



[20.1001.1.26456478.1399.3.8.1.5](https://doi.org/10.1001.1.26456478.1399.3.8.1.5)

چکیده

ادبیات پایداری، معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی - های فردی و اجتماعی، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی، قانون ستیزی و قانون گریزی و غیره شکل می‌گیرند. زبان این گونه‌ی ادبی، صریح و شیوه‌ی ظهورش با توجه به شرایط هر دوره‌ی تاریخی، متنوع و متفاوت است. ادبیات پایداری، مختص سرزمین خاصی نیست و در هنگام نبرد، شاعرانی که احساسات قوی‌تری دارند، به سرودن اشعاری با این مضامین می‌پردازند. فرخی یزدی، از شاعران و گویندگان عصر مشروطه‌ی ایران و پابلونرودا از شیلی، به عنوان دو شاعر مطرح در زمینه‌ی ادبیات پایداری و مقاومت می‌باشند. اینان، همدوش با دیگر مردم، سلاح قلم را علیه دشمن بر دوش گرفته، عمیق‌ترین احساسات و عواطف خود را در زمینه‌ی استقلال ملت و حریت مردم و مملکت خود بیان کرده‌اند. اینان هر کدام، زبان زمان خود بوده و با سروده‌هایشان، آزادی و عشق به وطن را فریاد زده‌اند. آنچه در این جستار بدان پرداخته شده، بررسی جلوه‌های مضامین مقاومت، استبداد ستیزی و به‌طور کلی مقوله - های ادبیات پایداری در اشعار فرخی یزدی و نرودا می‌باشد.

کلید واژه‌ها: پایداری، مضامین ادبیات پایداری، فرخی یزدی، پابلونرودا

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

^۱ . مدرس دانشگاه سبزوار ، ایران. (نویسنده مسئول) . maria.kiani.64@gmail.com

^۲ . استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار . سبزوار ، ایران . roozbahani@iaus.ac.ir



۱. مقدمه

زبان فارسی در طی هزار و یکصد سال تاریخ ادبی این کهن بوم و بر، همواره بار ادراک و احساس قوم ایرانی را بر دوش کشیده و می‌کشد. در میان این همه‌ی دارایی‌های معنوی و انسانی که ادبیات، بدون هیچ مزد و موابی هر روز بیشتر از گذشته، به دستاران و علاقه‌مندان تقدیم می‌کند، دارایی شعر از همه چشمگیرتر و ارزشمندتر می‌باشد. چراکه شعر، شرح حقایق و واقعیت‌های عالم انسانیت است که پنهان کردن آنها بر دل خداوندان قلم و اندیشه سنگینی می‌کند. آینه‌ی شعر و ادب، بهترین جلوگاه احساسات و عواطف بشری است. شاعر، ترجمان دل مردم و زبان گویای آنهاست. شعرش، «زبان دل» و مناسب‌ترین مضمون و معنی این زبان، همانا حالات و هیجانات نفسانی و عواطف خوانندگان و مخاطبان می‌باشد. یکی از دلایل پر بار بودن تاریخ ادبیات فارسی، وجود همین احساسات و عواطف شاعرانه است که از لابه‌لای اشعار شاعران تراوش می‌کند.

میان متون ملت‌های مختلف چهل‌در حوزه‌ی نظم و چه در حوزه‌ی نثر، همواره همانندی‌هایی درخور پژوهش یافته می‌شود که بررسی این همانندی‌ها، یکی از محورهای اصلی ادبیات تطبیقی است. «ارزش و اهمیت ادبیات تطبیقی علاوه بر تأثیر عمده در کشف ابعاد اصالت ادبیات ملی، جنبه‌ی مهمتری دارد و آن ژرفنگری و کشف طبیعت نوجویی و گرایش‌های آن در ادبیات میهنی و جهانی است» (غنیمی، ۱۳۷۳: ۲۳). این همانندی همچنین باعث پی بردن به عظمت اندیشه‌های نویسندگان و شاعران ملت‌ها و شناخت تشابهات و یا اختلافات فکری آنها نیز می‌گردد. «در ادبیات تطبیقی بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه‌ی بشری پی برد که چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط اندیشمندی، ادیبی و یا شاعری مطرح می‌شود و در نقطه‌ای دیگر همان اندیشه به گونه‌ای دیگر، مجال بروز می‌یابد» (کفافی، ۱۳۸۲: ۷).

بنابراین آنچه در ادبیات تطبیقی اهمیت ویژه دارد، پژوهش درباره‌ی تلاقی ادبیات در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف و نیز یافتن پیوندهایی در گذشته و حال است که اثرپذیری یا اثرگذاری ادبی چه در سبک و چهار دیدگاه جریان‌های فکری داشته‌اند. با این وجود، نتیجه می‌گیریم که «موضوع ادبیات تطبیقی، تحقیق و پژوهش در تلاقی ادبیات ملل جهان است. از این تلاقی‌ها نحوه‌ی تأثیر و تأثرها، محدوده‌ی آنها، تغییراتی که به‌هنگام داد و ستد در یک اثر به وجود می‌آید، چرایی آن تغییر، شیوه‌ی هجرت تفکری از یک کشور به کشور دیگر مورد نظر است» (آذر، ۱۳۸۷: ۴۱). البته گاهی بین چند اثر، رابطه‌ی مشابهت و تأثیر و تأثر وجود ندارد و مشابهت بین آثار را باید مبتنی بر توارد یا نیازها و آرزوهای مشترک انسان‌ها دانست.

فرخی یزدی و پابلو نرودا (Pablo Neruda) هر دو بادغدغه‌های اجتماعی - سیاسی مشابهی مواجه بوده‌اند. اصولاً این دسته از شاعران و گویندگان، به خاطر قرار گرفتن در چنان فضای اختناق و خفقان‌آوری و به دلیل برخوردار بودن از ادراکات فراحسی و برانگیخته شدن حس مبارزه طلبی، سبب شده تا بیشترین بهره را در بین مردم داشته باشند. علت



شهرت و نام‌آوری فرخی یزدی و نرودا به عنوان دو گوینده‌ی ادبیات پایداری و مقاومت در دوره‌ی خود، همین امر است.

اگرچه سیمای استبداد و مقاومت در هرکشوری با کشور دیگر فرق دارد، اما آنچه بین این دو شاعر مشترک است، مسیرمقاومت و ظلم ستیزی است که بنیادی پایدار دارد. در این جستار سعی شده است به بررسی ابعاد و مولفه‌های استبدادستیزی و مقاومت در شعر این دو شاعر بزرگ ایران و شیلی پرداخته شود.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

زهره لشنی زند، در پایان نامه‌ی خود با عنوان «مقایسه‌ی ادبیات پایداری ایران و شیلی با تکیه بر اشعار ملک الشعرای بهار و پابلو نرودا» به شعر نرودا اشاره کرده است. مالک ابدی هم در مقاله‌ی خود «بررسی مضامین مقاومت و استعمار ستیزی در اشعار مفدی زکریا و پابلونرودا» به ابعاد شعر نرودا پرداخته است. لقمان سبحانی هم در مقاله‌ی خود با نام «مضامین ادبیات پایداری در اشعار فرخی یزدی و ایلیا ابوالماضی» از ابعاد فکری و شعری فرخی یزدی سخن گفته است. آنچه در این تحقیق بدان پرداخته شده، بررسی درون‌مایه‌های شعر اجتماعی و استبداد و استعمارستیزی دو شاعر شعرفرخی یزدی و نرودامی باشد.

۳. فرخی یزدی

میرزا محمد یزدی فرزند میرزا محمد ابراهیم سمساری متخلص به «فرخی یزدی»، در یکی از روزهای پاییزی در سال ۱۲۶۷ ه.ش پا به عرصه‌ی گیتی نهاد. «فرخی یزدی شاعر انقلابی و مارکسیست و روزنامه نگار آزادی خواه که از طبقه محروم و زحمتکش جامعه برخاست و تا پایان عمر خود در دفاع از محرومان ثبات قدم نشان داد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۸۱). در دوران تحصیل به سبب شعری که سرود، از مدرسه خارج شد. در اوان جوانی عضو حزب دموکرات یزد شد و به خاطر شعری که در ستایش آزادی سرود، ضغیم‌الدوله قشقایی، حاکم یزد لب‌هایش را بدوخت. بعد از گذشت چهارسال از برپایی مشروطیت، به تهران عزیمت کرد و با انتشار روزنامه‌ی «طوفان» به جنگ با استبداد و بی‌قانونی پرداخت. او در دوره‌ی هفتم مجلس، نماینده‌ی مردم یزد و جزء جناح اقلیت بود که به مخالفت با هیأت حاکم پرداخت. فرخی در کشورهای دیگر همچون روسیه و آلمان نیز، مطالبی علیه حکومت ایران نوشت که در روزنامه‌های آن کشورها چاپ شده است. یک بار مورد سوء قصد نیز قرار گرفته است و یک بار هم خودکشی کرد. وی، سرانجام با آمپول هوا در زندان قصر به قتل رسید.

فرخی یزدی از جمله شاعرانی است که در قالب غزل، داد آزادی‌خواهی و آرمان‌گرایی را بداده و در سروده‌های خود، یک آرمان شهر واقعی را ترسیم کرده است. در سراسر اشعارش، روحیه‌ی وطن‌دوستی و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی موج می‌زند. بیشتر درون‌مایه شعر او، موضوعات اجتماعی، سیاسی و وطنی می‌باشد و چنان در این بن‌مایه‌ها



غرق شده که برخلاف دیگر غزل سرایان ادب فارسی، که غزل را محل جولان مضامین عاشقانه و عارفانه ساخته اند، وی آن را به خدمت موضوعات سیاسی و نیمه سیاسی درآورده و احساس و عواطف شاعرانه‌ی خویش را در راه اعتلای سربلندی ایران و ملت ظلم ستیز اختصاص داده است. او به معنای واقعی، شاعر بود. آنقدر عشق به سرودن و حرف زدن داشت که حتی در روزنامه‌ی خود؛ یعنی «طوفان»، در قسمت ادبی آن، در هر شماره یک رباعی به مناسبت سرمقاله و یک غزل در صفحه‌ی آخر آن درج می‌کرد. (فرخی یزدی، ۱۳۶۶: ۵۲)

غزل‌های او شهرت خاصی دارد و آنچه که فرخی را بر سر زبان‌ها انداخته، هنر اوست در **غزل‌های نیمه سیاسی و سیاسی**. اگر به یک تقسیم بندی غزل همچون: عاشقانه، عارفانه، عرفانی - اجتماعی و سیاسی قائل باشیم، باید گفت که غزل‌های سیاسی، به فرخی یزدی اختصاص دارد. الحق که نیک از عهده‌ی آن برآمده و آنگونه که خود بیان داشته، داد سخن بداده است:

کی توانست بدین پایه دهد داد سخن فرخی گر به غزل طبع خداداد نداشت

(همان: ۱۰۱)

با انقلاب مشروطیت، تحولی در غزل ایجاد شد و آن پیدا شدن نوع غزل نیمه سیاسی و سیاسی است و مرام نامه‌ی آن، همانا «ساده کردن و مردم فهم ساختن مباحث دشوار است آن هم در نازک‌ترین و ظریف‌ترین قالب شعر دری.» (سپانلو؛ ۱۳۷۵: ۲۰) و این خصیصه، در شعر شاعر مقتول دوره‌ی مشروطه؛ فرخی یزدی به اوج رسیده است.

۴. پابلونرودا

ریکاردو نفتالی ریز (۱۹۰۴-۱۹۷۳) معروف به «پابلو نرودا» در روز دوازدهم ژوئیه ۱۹۰۴ در شهر پارال شیلی زاده شد. در شانزده سالگی به سانتیاگو پایتخت شیلی رفت و از آن، نام «پابلونرودا» را برای خویش برگزید. وی شاعری بزرگ و سیاستمداری متفکر بود. به عقیده‌ی وی «ادبیات باید تجربه‌ای شخصی و پربار باشد و آنگاه است که واقعیت و رؤیا همه باهم رخ می‌نماید و این عناصر نیرومند و مهیب باید؛ نه تنها در رابطه با زندگی درون نویسنده، که با طمأنه‌ی وی ترکیب شوند و در آن سکنی گزینند» (گیرت، ۱۳۶۷: ۴۷۴).

او سراسر زندگی خود را در مبارزات سیاسی و تبعید گذراند. شاعری متعهد بود که نسبت به تحولات سیاسی و اجتماعی خود حساسیت داشت و هرگز نمی‌توانست نسبت به این تحولات بی‌تفاوت باشد. در سال ۱۹۶۹ نامزد حزب کمونیست شیلی برای دریافت ریاست جمهوری شد که بعدها به نفع دکتر «سالوادر آلنده» از این نامزدی استعفا کرد و تمام تلاشش را صرف آلنده کرد. بعد از انتخاب آلنده به‌عنوان رئیس جمهور شیلی، نرودا به‌عنوان سفیر کشورش



راهی پاریس شد و در سال ۱۹۷۱ موفق به دریافت جایزه نوبل ادبی گشت. پس از آن به دلیل شدت بیماری از سفارت کناره‌گیری کرد و به شیلی بازگشت و انحطاط سیاسی و مدنی شیلی را از همان جا پی گرفت. نرودا در روز ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۳ بر اثر سرطان پروستات درگذشت. از مهمترین آثار وی می‌توان به **کاغذ باطله‌های برگزیده، جغرافیای بایر، مرثیه و انگیزه‌ی نیکسون** کشی اشاره کرد. (ر.ک: فراری، ۱۳۸۲: ۱۷۴)

۱-۴ جلوه‌های مقاومت و استعمارستیزی در اشعار فرخی یزدی و پابلو نرودا

۱-۱-۴ وطن‌گرایی

درون‌مایه‌های شعر فرخی یزدی، بیشتر مضامین انقلابی، سیاسی، اجتماعی و وطنی است. بسامد بالای آزادی، ملت، انقلاب، فقر، ظلم، استبداد، وطن، کارگر، خفقان و عدل و داد، نشان از نوع خاصی از تفکر اجتماعی و سیاسی دارد. آزادی و وطن، دو مضمون اصلی شعر مشروطه به شمار می‌روند. شفיעی کدکنی در ادوار شعر فارسی در باره‌ی درون‌مایه‌ی شعر بهار می‌نویسد: «اگر دونهنگ بزرگ از شط بهار بخواهیم صید کنیم، یکی مساله‌ی وطن است و دیگری آزادی.» (شفיעی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۵) در شعر فرخی نیز می‌توان به این مضمون ویژه؛ یعنی وطن دست یافت.

شاعران و نویسندگان، در یادکرد سرزمین خود، به ستایش گذشته‌ها، مبارزات و حتی مظاهر دیار خود می‌پردازند. فرخی یزدی یکی از بهترین مصادیق شاعران معاصر ایران است که ابراز عشق و علاقه‌ی او به ایران در جای جای آثار او پیداست و هدف خود را از سرودن اشعار سیاسی و اجتماعی، بازگشت ایران به آبادانی و پیشرفت و اعتلای فرهنگ عمومی قرارداد است. او، عاشق وطن و خواهان ایرانی آزاد بدون حضور بیگانگان است:

مرا بارد از دیدگان اشک خونبیر احوال ایران و حال کنونی

غریقم سراپای در آب و آتش ز آه درونی ز اشک برونوی

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۹۴)

نرودا نیز مانند فرخی، عشق بی‌انتهایی نسبن به میهن خود داشت. عشقی عظیم که با جز جزء خاک وطنش پیوند خورده بود:

اگر تمام زمین باشی / تنها مشتت از تو کافی است / برای آنکه تاابد بپرستم / از میان صور فلکی، چشم‌های تو / تنها نوری است که می‌شناسم / تنت به بزرگی ماه / برهنه پای از تو عبور می‌کنم / او تنگ می‌بوسمت / ای سرزمین من. (نرودا، بی‌تا: ۹).



البته عشق نرودا نسبت به وطن تنها مختص شیلی یا سرزمینی معین نیست، بلکه وی خود را شاعر تمام زمین می‌داند. شعر او شعر زمین، طبیعت و ساکنان ساده‌ی آن است و وطن در شعر او مفهومی عام دارد. نگاهی به زندگی سیاسی - ادبی دو شاعر روشنگر این مطلب است که نوستالوژی وطن در شعر هر دو شاعر نمودی یکسان دارد. چراکه دوری از وطن و مقیم شدن در کشورهای بیگانه که از نظر زبان و فرهنگ بسیار با سرزمین خودشان اختلاف دارد، باعث می‌شود که غم غربت را بیشتر احساس کرده و در واقع این تبعید فرصتی را برای آنها به وجود می‌آورد تا بیش از پیش اهداف ضد استعماری خویش را دنبال کنند.

۲-۱-۴ دعوت به مبارزه علیه استعمارگران

ادبیات مقاومت، تندخو و بی‌پرواست و دعوت‌کننده به قیام. دعوتی که گاه به صورت فریاد اعتراض است و گاه در چهره‌ی نبرد مسلحانه. بدون شک می‌توان گفت هدف هر دو شاعر از سرودن اشعار سیاسی و وطنی مخالفت با دولت‌های بیگانه و بیرون راندن استعمارگران از کشور بوده است. فرخی در شعر زیر مردم را به مبارزه علیه حکومت استبدادی دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد در راه رسیدن به آزادی گام بردارند:

در کف مردانگی شمشیر می‌بایم — دحق خود را از دهان شیر می‌بایم —
تا که استبداد سر در پای آزادی نهد دست خود بر قبضه‌ی شمشیر می‌باید

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۹۳)

چنان مشتاقانه و وطن پرستانه در راه مبارزه با استعمارگران و مستکبران، قدم گذاشته و جان بداده که وی را «شیرگیر انقلابی» نام نهاده‌اند. انقلاب با خون و قیام همراه است و شاعر لب دوخته مانند بسیاری از انقلابیون، شیر آزادی و آرمانی اش را از پستان خون خورده است:

فرخی را شیرگیر انقلابی خوانده‌اند زانکه خورد از شیرخواری، شیر از پستان خون

(فرخی یزدی، ۱۳۶۶: ۱۷۳)

نرودا نیز با صراحت در اشعار خود می‌گوید که به آمریکا اجازه نخواهد داد تا آرامش سرزمینش را بر هم زند. او، در این راستا مردم شیلی را به مبارزه و قیام تشویق می‌کند و از آنان می‌خواهد خواهان حقوق از دست رفته‌ی خویش باشند:

افتخار بر پیروزی موعود/ افتخار بر مردمی که/ به دورانی رسیده‌اند / که حق خود را برای زیستن به ثبوت می‌-
رسانند. (نرودا، ۱۳۶۴: ۳۱)



۳-۱-۴ ستایش آزادی و پاسداشت شهدای آزادی

رکن رکن و اس‌اس درون مایه‌ی شعر فرخی، آزادی است؛ آزادی از بند اسارات و زور و خفقان. فرخی، آزادی را، مایه‌ی آبادی ملت می‌داند:

جز به آزادی ملت نبود آبادی آه اگر مملکتی ملت آزاد نداشت

(فرخی یزدی، ۱۳۶۶: ۱۰۰)

معشوق واقعی ملت آرمانی، شاهد آزادی است که همه در برابرش قربانی اند:

هست جانانه‌ی ما شاهد آزادی و بس جان ما در همه جا، برخی جانانه‌ی ماست

(همان: ۱۰۹)

او معتقد است برای رسیدن به چنین شاهی، باید سر را قدم کرد و تا سرزمین نیستی تاخت:

عمرها در طلب شاهد آزادی و عدل سر قدم ساخته تا ملک فنا تاخته ایم

(همان: ۱۵۸)

این آزادی که فرخی فریاد می‌زند، آزادی اجتماعی است. شاعر متعلق به مردم است و دوستدار ایشان. پس می‌خواهد که همه آزاد باشند و آزادانه بیندیشند و سخن بگویند. آزادی قلم و بیان، آرمان بزرگ شاعر است. آزادی، آرمان آزادی خواهان است و مبارزان راه آزادی که هستی خود را به میدان نبرد آورده‌اند، افتخار و الگوی فداکاری هستند. «اگرچه شاعران بسیاری در راه آزادی قدم برداشتند، اما فرخی یزدی از معدود شاعرانی است که از عمق جان به کرات در اشعار او دیده می‌شود» (آذری شهرضایی، ۱۳۸۱: ۵۰). فرخی نمونه‌ی بارزی از شاعران عصر بیداری است. عصری که مملو از مبارزات جنبش مشروطه و موکد حضور مردم است (ر.ک: حسینی کازرونی، ۱۳۷۸: ۱۰ به بعد). آزادی در ادبیات پایداری، مصداق یک فرشته و یا یک پیامبر را دارد. فرخی در قصیده‌ای انقلاب را به نینوایی تشبیه کرده است که جهان را غرق در خون ساخته و با این تشبیه بیان می‌دارد که در راه آزادی باید از جان گذشت:

نای آزادی کند چون نینوای انقلا بلباز خون سازد جهان را نینوای انقلاب

تا تو را در راه آزادی تن صد چاکنیستی در پیش یاران پیشوای انقلا ب

(سپانلو، ۱۳۷۵: ۲۶)



نرودا نیز در اشعار خود از توصیف آزادمردانی که در راه وطن از مبارزه باز نایستاده‌اند، غفلت ننموده است. او، درباره‌ی «ژنرال اشنایدر» رئیس ستاد ارتش طرفدار حکومت آینده که با دسیسه‌ی مخالفان دولت کشته شده، چنین می‌سراید:

و دیگر دیر است/بدکاران رفته‌اند/اشنایدر زخم‌خورده و خونین مرده/و جنایت به انجام رسیده است/سکوتی بزرگ زندگی‌مان را فراگرفته است/صد مرد در برابر سربازی تنها/یک‌صد یاغی جیون در برابر سردار مقتول من. (نرودا، ۱۳۶۴: ۶۵).

۴-۱-۴ نقد حاکمان جامعه

در نظام مستبد و بیدادگر، شکنجه و تازیانه، خفه کردن فریادها در گلو، تبعید و ترور یک قانون است. فرخی یزدی و نرودا در برابر شرایط حاکم بر کشورشان لحظه‌ای خاموش ننشسته‌اند و در برابر کوچکترین مسأله‌ی مرتبط با اوضاع و احوال جامعه شعر سروده‌اند و با قلم در برابر بیدادگری‌های زمانه به مبارزه برخاسته‌اند. در اشعار فرخی از این گونه انتقادات که جنبه‌ی کلی هم دارد، زیاد به چشم می‌خورد:

محو شد ایران ز اقدام قوام السلطنه محو بادا در جهان نام قوام السلطنه

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۲۰۴)

نرودا همچون فرخی در برشمردن ویژگی‌های بیدادگران، عقب‌نشسته است و همواره باالفاظی پر از خشم بر حاکمان ظالم تاخته، آنها را مورد نکوهش قرار می‌دهد. نرودا در یکی از اشعارش از شاعر کهنسال آمریکایی استمداد می‌طلبد و از او می‌خواهد تا حکم تیرباران «نیکسون» را که دستش به خون هزاران نفر آغشته شده، به اجرا درآورد:

حتا که خواسته‌ام تا شاعر کهنسال با من به کنکاش بنشیند/وظایف یک شاعر را بر عهده می‌گیرم مسلح به سرود یک رزم آور/چرا که باید این حکم را که نظیرش تا به حال دیده نشده است/بی هیچ تأسفی به اجرا درآورم/حکم تیرباران جنایتکاری در محاصره/که از کاخ سفید مشق آدم کشی می‌کند. (نرودا، ۱۳۶۴: ۲۲)

۴-۱-۵ ستایش بزرگان و قهرمانان ملی

در ادبیات پایداری هنگامی که سخن از ملت و سرزمین به میان می‌آید، اسطوره‌ها و قهرمانان ملی که در راه اعتلای فرهنگ و اجتماع خود رشادت‌ها و دلیری‌ها کرده‌اند، مطرح می‌شوند. هر دو شاعر در این زمینه نقاط فراوان مشترکی دارند و با دست‌مایه قراردادن مفاخر قومی و ملی خود، به تحریک عواطف مردم پرداخته، از آنها برای تلاش بیشتر در جهت ساختن آینده‌ای بهتر، دعوت می‌کنند:

خوابگاه داریوش و مأمَن سیروس بود

این همان ایران که منزلگاه کیکاوس بود



جای زال و رستم و گودرز و گیو و طوس بودنی چنین پامال جور انگلیس و روس بود

(فرخی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۸۶)

نرودا هم در اشعارش از سالوادر آئنده، ژنرال اشنايدر و ديگر مبارزان حماسه‌ساز کشورش یاد کرده و علاوه بر قهرمانان سرزمین خویش به توصیف قهرمانان ديگر ملت‌ها نیز پرداخته است:

مردمان جهان به افق روشن بنگريد/ و به «لائوتارو» جوان که با ماست/مردمان جهان دنيا در پی مشعل ما می‌آيد/ و «مانوئل رودريگز» با ماست/مردم بيايد به گذشته بازنگرديم/چرا که «بالماسدا» با ماست/ما پيروز می شويم، مردم حاکمندو/دستانشان آذرخش را هدايت می کند(نرودا، ۱۳۶۴: ۸۶).

لائوتارو، رهبر سرخ پوستان آرائوکانی بود که در هجده سالگی ارتش اسپانیایی‌های فاتح راشکست. مانوئل رودريگز از رهبران چریک‌های قرن نوزدهم محسوب می‌گردید. بالماسدا رئیس جمهور مردم شیلی بود که در سال ۱۸۹۱ با اتحاد مالکان و صاحبان معدن از کار برکنار شد.

۶. نتیجه‌گیری

با مطالعه و کنکاشی جامع در اشعار دو شاعر، محرز شد که در پرداخت هنری مضامین مقاومت و ادبیات پایداری کفهی ترازو در هریک از مؤلفه‌ها به سمت یکی از دو شاعر سنگینی می‌کند و گاه نیز به صورت یکسان است. با توجه به زیرساخت‌های فرهنگی و شرایط و محیط اجتماعی که دو شاعر در آن رشد و نمو یافته‌اند، در برخی مضامین اشعار فرخی رنگ و بوی بهتری دارد و درجایی دیگر نیز شور حماسی نرودا قابل ستایش‌تر می‌باشد. هر شاعر با لهجی خاص خود و با مواضع صریح و آشکار، به مبارزه علیه استعمار برخاسته و مردم را از خواب غفلت بیدار کرده‌اند. هر دو شاعر حاکمان بی‌لیاقت داخلی را مسبب وجود استعمارگران قلمداد می‌کنند و مردم را ستون اصلی پیروزی کشور می‌دانند. بر همین اساس آنها را به بیداری و دفاع از میهن دعوت می‌کنند تا جایی که برای حفظ سرزمین مادری باید از جان خود نیز گذشت. هر دو شاعر نقش مهمی در رساندن صدای مردم رنج کشیده به گوش جهانیان ایفاء کرده‌اند و از دغدغه‌های هردو، بازگشت کشورشان به استقلال و شکوه پیشین خود است. یکی از تفاوت‌هایی که در شعر این دو شاعر می‌توان یافت، برندگی قلم و زبان فرخی نسبت به نرودا است. تاجایی که منجر به دوخته شدن لب‌های وی گشت. تفاوت دیگر در عشق به وطن است. فرخی وطن را فقط ایران کنونی می‌داند که تحت سلطه بیگانگان است، اما نرودا تمام جهان را وطن خود می‌داند و معتقد است که عشقش به تمام جهان تعلق دارد. در نهایت باید گفت اوضاع خاص اجتماعی و سیاسی ایران و شیلی باعث گشت تا آنانی که درد جامعه را احساس می‌کردند و تعهد اجتماعی را بر امیال و عواطف شخصی خود مقدم می‌داشتند، برای خود رسالتی قایل شوند و بی‌اعتنا از کنار دردهای جامعه نگذرند. این باور و مسؤلیت‌پذیری باعث گردید تا شاعرانی چون فرخی یزدی و پابلو نرودا در عرصه ادبیات پایداری ظهور کنند.



منابع

- آذر، امیر اسماعیل (۱۳۸۷)؛ *ادبیات ایران در ادبیات جهان*، تهران: سخن. ##
- آذری شهرضایی، رضا (۱۳۸۱)؛ *فرخی یزدی سرانجام یک رویای سیاسی*، تهران: شیرازه. ##
- حسینی کازرونی، سیداحمد (۱۳۷۸)؛ *دیوان فرخی یزدی*، تهران: ارمغان. ##
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۷۵)؛ *شهر شعر فرخی*، تهران: علم. ##
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸)؛ *ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما*، ترجمه‌ی حجت الله اصیلی، تهران: نی. ##
- غنیمی، هلالمحمد (۱۳۷۳)؛ *ادبیات تطبیقی*، ترجمه‌ی مرتضی شیرازی، تهران: امیرکبیر. ##
- فراری، آمریکو (۱۳۸۲)؛ *شاعران بزرگ آمریکای لاتین*، ترجمه‌ی قاسم صنعوی، تهران: یکتا. ##
- فرخی یزدی، محمد (۱۳۸۹)؛ *دیوان*، به اهتمام حسین مکی، تهران: امیرکبیر. ##
- فرخی یزدی، محمد (۱۳۶۶)؛ *دیوان اشعار*، به کوشش حسین مکی، تهران: امیرکبیر. ##
- کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۲)؛ *ادبیات تطبیقی*، ترجمه‌ی سید حسین سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی. ##
- گیبرت، ریتا (۱۳۶۷ش)؛ *هفت صدا*، ترجمه‌ی نازی عظیمیا، تهران: آگاه. ##
- نرودا، پابلو (۱۳۶۴)؛ *انگیزه‌ی نیکسون‌کشی و جشن انقلاب شیلی*، ترجمه‌ی فرامرز سلیمانی، احمدکریمی حکاک، تهران: چشمه. ##
- نرودا، پابلو (بی تا)؛ *مجموعه چهارمجموعه*، ترجمه‌ی فرهاد غبرایی، تهران: نیلوفر. ##



The study of the themes of resistance and colonialism in the poems of Farrokhi Yazdi and Pablonruda

Maryam kianifar¹

Saeid rozbahani²

Abstract

are influenced by conditions such as repression and domestic tyranny, the absence of individual and social freedoms, the usurpation of power and land, and national, legal, and legal assets, and so on. The language of this literary, explicit form and manner of appearance is diverse and different according to the circumstances of each historical period. Sustainability is not specific to a particular land, and during the battle, poets who have more powerful feelings, to compose poems With these themes, some Yazdi, poets of the constitutional era of Persia and Pablo Neruda of Chile, as two poets in the field of Sustainability Literature And resistance. They, together with other people, have taken the pen weapon against the enemy, expressed their deepest feelings and emotions in the context of the independence of the nation and the plight of the people and their constituencies. Each of them, the tongue of their time, shouted with their poems, freedom and love to the homeland. What is covered in this essay is the study of the effects of the themes of resistance, autocracy and, in general, the categories of perseverance literature in poetry Farrokhi Yazdi and Neruda.

Keywords: Sustainability, Stability Matters, Farrokhi Yazdi, Pablo Neruda

1 . PhD in Persian Language and Literature.mashhad, Iran.//Email: maria.kiani.64@gmail.com

2 . Assistant Professor of Islamic Azad University,Sabzevar Branch.sabzevar, Iran//Email